

بازتاب ریاست جمهوری

در نامه های خصوصی ارتشبد جم و...

سرلشکر ناصر فرید
رئیس پیشین ستاد ارتش

در غربت نبود که با بریدن ذهن از متن اجتماع ایران و انتقاد کور از راه دور طرح براندازی سردهد و به تبلیغ جایگزینی خود بپردازد، بلکه با دلدادگی عمیق و بررسی دقیق و با آگاهی از معادلات استراتژیکی منطقه‌یی و بین‌المللی نظرات بی‌طرفانه‌یی خود را با دوستانش در میان می‌گذاشت که دو نامه‌یی زیرین نمونه‌یی کاملی از آن‌ها می‌باشد.

نامه‌ی ارتشبد جم

به سرلشکر فرید درباره‌ی خاتمی

«تیمسار ناصر فرید

دوست بسیار عزیز و گران قدر

با خوشبختی بسیار، نامه‌ی پُرمهر آن

دوست مکرم را که تاریخ نوزدهم فروردین

دارد، امروز دریافت نمودم.

بدواً سال نو را از صمیم دل به آن عزیز

محمدرضاشاه با نوعی سنت‌شکنی، رفتاری دوستانه با کادر ارتش، شناختی آگاهانه از تحولات اجتماعی و بینش عالمانه‌یی از روند سیاست‌های داخلی و خارجی داشت و بدین سبب در مقاله‌یی به مناسبت درگذشت آن شادروان، خصوصیات ایشان، نگاشته شد که در **ماهنامه‌ی حافظ** چاپ شد.^۲

ارتشبد جم در مقام ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران، قصد اعمال نظر و مدیریت بیش‌تر در مسائل نظامی و امنیت ملی بنا بر استراتژی آن زمان داشت که منطبق با منش ویژه‌ی شاه نبود و بدین مناسبت از کار بر کنار گردید و ابتدا به‌عنوان سفیر در اسپانیا به خارج از کشور تبعید شد و پس از بازنشستگی برای همیشه مقیم لندن گردید.

ارتشبد جم در دوران زندگی دور از وطن هیچ‌گاه مانند پاره‌یی از رجال نظامی - سیاسی

□ کلیات

الف. پروفیسور سید حسن امین طی مقاله‌یی نوشته است:

«ارزش و اهمیت نامه‌های خصوصی به مثابه‌ی اسناد دست اول تاریخی و اجتماعی محتاج تاکید و تکرار نیست. هرچه تاریخ به جلو می‌رود، ارزش این‌گونه نامه‌ها بیش‌تر می‌شود. نامه‌های خصوصی حتا اگر از جهت تاریخ عمومی بی‌ارزش باشد، از جهت تاریخی محلی و خاندانی از یک‌سوی و از جهت فرهنگی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی از سوی دیگر حائز اهمیت است.»^۱

ب. سعید نیاز کرمانی نیز نوشته است:

«نامه‌های خصوصی - اگر از جنبه‌ی تعارفات و تکلفات بعضی از نامه‌ها درگذریم - به هر صورت بیان حالی‌ست بین دو نفر بدون آن‌که صیغه‌ی مدیحه‌سرایی داشته باشد... بدون هیچ شائبه‌یی، نه به طمع سیم و زری دهن گشوده، نه به هوس جاه و مقامی دست دراز کرده... این‌جا دو کفه‌ی ترازو برابند و دو تن در برابر یک‌دیگر به سخن نشسته‌اند.»^۲

ارتشبد جم و بینش او

در رژیم پادشاهی، اجتماع ایران ترکیبی از طبقات بود که طبقه‌ی اشراف و درباریان، خصوصیات ویژه‌ی طبقاتی خود را متعصبانه حفظ می‌کردند و افراد آن حتا امتیازات طبقاتی را به ارث می‌بردند و آمیزش با طبقات زیرین، خروج از اصل تلقی می‌شد.

ارتشبد فریدون جم فرزند محمود جم (نخست‌وزیر دربار رضاشاه) و همسر خواهر



دشت گرگان ۱۳۱۰ - از چپ به راست نفر اول محمود جم (پدر فریدون جم) - علی‌اکبر داور - دکتر قاسم غنی - سرلشکر امان‌الله میرزا جهانبانی

تبریک می‌گویم و امیدوارم با تندرستی و شادکامی در تلاشی که در پیش گرفته‌اید، پیروز باشید.

در انتخاب آقای خاتمی واقعاً شاهد جنبشی همگانی و برخاسته از دل ملت ایران بودیم که در کشور ما یقیناً بی‌سابقه است. به نظر من مردم ایران از روی میل و اعتقاد به افکار و پیشنهادات آقای خاتمی رأی دادند، یعنی ایشان را برای پیاده کردن آن نظرها برگزیدند و در واقع به مخالفت آشکار با گروه تندرو دست یازیدند. اما، رئیس‌جمهور که اختیاراتش محدود و هر حرکت و تصمیم او منوط به تصویب و موافقت مقام دیگری است، چه‌گونه خواهد توانست به انتظاراتی که از او می‌رود، پاسخ گوید؟

ما خود در ارتش در رژیم سابق با چنین وضعی مواجه بودیم و عملاً همه چیز بر اساس اراده‌ی بزرگ ارتشتاران فیصله می‌یافت. هیچ امکان بحث و اظهار وجودی برای ستاد بزرگ ارتشتاران متصور نبود. شاید حالا اقلماً آقای خاتمی، توضیحی، مقاومتی نشان دهد. نظرات تیمسار عزیز را کلاً تأیید می‌کنم. گرچه من شخصاً دوران خود را خاتمه یافته می‌دانم. نسل جوان ایران است که در این دنیای کنونی باید راه خود را برگزیند و مهم آن است که مردم به منافع فعلی خود و حال نیاندیشند و به نسل‌های آتی و اعتلای میهن توجه خاص داشته باشند.

تاریخ نشان می‌دهد که افکار به خودی خود ایجاد تحول نمی‌کند بلکه یک لیدر است که جنبشی عظیم را به وجود می‌آورد. بدون لنین، موسلینی، هیتلر در تاریخ بشریت و دیگران در زمان‌های گذشته، حرکت و تحولی ایجاد نمی‌شد.

آنچه لازم است یک رهبر، یک سیستم کارآمد، یک استراتژی، یک سازمان مبارز و مجاهد است که گام به گام به طرف هدف حرکت کند. هدف را باید همان‌طوری که سربازی خط نشانه را به سوی هدف می‌نگرد، همواره در نظر داشت. با کلی‌گویی بدون یک طرح همگانی و جامع و بدون استراتژی و زیردستانی که تاکتیک را در راه وصول به

استراتژی انتخاب شده به کار ببرند، به جایی نخواهیم رسید. هماهنگی فکری البته فوق‌العاده مهم است ولی جای سازمان فعال و با ابتکار و کارآمد را نمی‌گیرد. لیدر باید خود وارد گود شود و فقط نقش نعش را بازی نکند. بدون شخصیت بارز [آیت‌الله] خمینی محال بود تحولی روی دهد. او هم بدون دیگران نمی‌توانست جنبش را به حرکت درآورد. در حال حاضر [ثوری تنها] کافی نیست، باید کار را منظم کرد و پشتیبانی و سمپاتی مردم را جلب کرد. تا رهبر و سازمان متشکل به وجود

نیاید بحث‌ها جنبه‌ی تئوریک و مشاجره‌ی مکتبی خواهد داشت. تا کنون چنان رهبری دیده نمی‌شود. آقای خاتمی هم تا راه خود را هموار نکند حتا با پشتیبانی و همراهی مردم به جایی نخواهد رسید.

در روزهای تحصیل من در سن سیر به ما گفتند که این اصل را همیشه در نظر داشته باشید: فقط زور می‌تواند زور را خنثی کند نه افکار و منطق و حق را باید به وجود آورد و سازمان داد و طبق نقشه و طرح انتخاب شده به کار برد.

تیمسار عزیز

نامه‌ی ارتشید جم به سرلشکر فرید

درست بسیار عزیز درگذشتند. با خونی بسیار نام برهبران

درست کرم را که تاریخ روزم فرودین دارد امروز درایت ندم.

هدا" سال نظر از صمم دل به آن عزیز ترین میگرم و امیدوارم

تندستی دست‌های در تلاشی که من گرفته‌ام به بریز باشند.

در آسمان آبی خاتمی، واقعات حد جنبشی همانند

و برخاسته از دل ملت ایران بودیم که مدگنده، واقعاً به سبب است

بظرح مردم ایران از روی میل و اعتقاد، به افکار و پیشنهاد است

آقای خاتمی را دارند. همین است که با بار ساده‌کون آن نظر

برگزینند و در واقع به مخالفت آشکار با گروه تندرو دست یازیدند

و این رهبر که افتخاراتش محدود و هر حرکت تصمیم در منزل

به تصویب و موافقت مقام دیگری است، چگونه خواهد توانست به

انتظاراتی که از او می‌رود، پاسخ گوید؟

سایت به همین وضعی خواهد بود و عملاً همه چیز بر اساس اراده بزرگان

ارتش است. تاریخ فقط بیانست. هیچ امکانی نیست در این رهبری

برای شما، بزرگان ارتش‌تان متصور بود. شاید حالات و آبی خاطر

آن عزیز خود بهتر همه‌ی این‌ها را می‌دانید. برای تیمسار عزیز که همیشه در خاطر من هستی تندرستی و پیروزی آرزو می‌کنم. فریدون جم، ۱۸ آوریل ۱۹۹۸»

نامه‌ی ارتشبد جم به سرهنگ پژمان درباره‌ی سرلشکر فرید
«سرکار سرهنگ پژمان

دوست عزیز و گران قدر، نامه‌ی ۱۸ آوریل به دستم رسیده و از بازگشت تیمسار فرید به آمریکا مطلع شدم. نامه‌ی سرگشاده‌ی ایشان را خواندم. (پریروز نامه‌ی بی به جناب عالی و تیمسار آصف حضورتان تقدیم شد). من اخیراً به فراموشی و سهو مبتلا گردیده‌ام؛ ولی در سنین پس از هشتاد، غیرمنتظره نیست.

از من نظرم را درباره‌ی نامه‌ی سرگشاده‌ی تیمسار فرید سوال فرموده‌اید. تردیدی نیست که آن چه نوشته‌اند، انکارناپذیر است و عین حقیقت است. این که حکومت آمریکا، عملاً به یک امپراتوری جهانی مبدل شده است که کسی نمی‌تواند با آن برابری کند. به علاوه به هر صورت آمریکا منافع، مصالح خود در جهان خواهد بود. بویژه منطقه‌ی ایران که پلی بین منابع انرژی خلیج پارس و دریای مازندران است. هرگونه تحول نامطلوبی برای آمریکا در این منطقه اثرات بسیار بر روی زندگانی آمریکا و متحدان آن می‌گذارد. این است که چه بخواهیم و چه نخواهیم، چیزی آمریکا را از پیروی سیاست‌هایی که نفع خود را در آن‌ها می‌بیند، باز نخواهد داشت. تردید نیست که مسائل ایران در وهله‌ی نخست منحصرأ مربوط به خود ایرانیان است و هرگونه دخالت خارجی، خلاف حقوق حقه‌ی ایرانیان خواهد بود.

اما واقع‌بینی و حقیقت‌نگری به ما تحمیل می‌کند که شرایط زمانی را در نظر بگیریم. در مورد ایران، واضح است که رژیم فعلی همه‌ی عوامل را برای حفظ خود ملاحظه دارد و هیچ آکراهی در سرکوبی صدای مخالف ندارد. این است که مانند تیمسار فرید باید بخواهیم و آرزو کنیم که ابرقدرت جهانی مصالح ملی ما را زیر پا نگذارد و سیاست‌هایی را اتخاذ کند که

به شأن و شهرت آمریکا لطمه نزند و ما را کمک کند که به آمال ملی اکثریت ملت ایران برسیم و راه پیشرفت و آزادی و حقوق بشر برای ملت ما باز بماند. فریدون جم / ۲۰ آوریل ۲۰۰۲ - لندن»

نامه‌ی دکتر شهرام به پروفیسور امین درباره‌ی ریاست جمهوری

«۲۴ بهمن ۱۳۸۷

جناب آقای پروفیسور سید حسن امین
مدیر گران قدر ماهنامه‌ی حافظ
با احترام و سلام صمیمانه
۱- یک داستان کوتاه (حقیقی) جهت ماهنامه‌ی حافظ ارسال می‌کنم. سرفرازی

جناب عالی و آینده‌ی خوب ایران آرزوی قلبی من است.
۲- در صورتی که شرایط مناسبی وجود دارد، سرکار عالی خود را کاندیدای ریاست جمهوری اعلان بفرمایید، موجب افتخار ایرانیان وطن پرست و ترقی خواه است.
با سپاس، دکتر مصطفی شهرام»

پی نوشت‌ها

- ۱- مقاله‌ی پروفیسور حسن امین در ماهنامه‌ی ایران مهر، شماره‌ی (۳ و ۴) مهر و آبان ۱۳۸۲
- ۲- مقدمه‌ی سعید نیاز کرمانی بر خلوت انس، اثر مشفق کاشانی و راه‌آورد عمر اثر ابوالحسن ورزی، تهران، انتشارات پازنگ، ۱۳۸۶
- ۳- ماهنامه‌ی حافظ، شماره‌ی ۵۱، خردادماه ۱۳۸۷

دکتر مصطفی شهرام
General Practitioner
(G.P)
ن. پ. ۱ - ۵۷۳۹
پوست و مو
پزشک بیماری‌های داخلی
بیمارستان کوک و مادر

نام بیمار:

تاریخ: ۲۴ بهمن ۱۳۸۷

جناب گرامی تا ما پروفیسور سید حسن امین
مدیر گران قدر ماهنامه حافظ
با احترام و سلام صمیمانه
۱- یک داستان کوتاه (حقیقی) جهت
ماهانامه حافظ ارسال میکنم
۲- یک داستان کوتاه (حقیقی) جهت
ماهانامه حافظ ارسال میکنم
۳- یک داستان کوتاه (حقیقی) جهت
ماهانامه حافظ ارسال میکنم
با سپاس
دکتر مصطفی شهرام

نامه‌ی دکتر مصطفی شهرام
به پروفیسور سید حسن امین